

دربارهٔ مصاحبهٔ وزیر جهاد کشاورزی و برخی مواضع نزدیکان رئیس دولت یادتان نرود! زبان رسمی فارسی است



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

مصاحبه غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی به زبان ترکی در رسانه‌ها بحث‌برانگیز شد. تنوع فرهنگی و قومی در ایران از یک‌سو و خلأ وجودی و اجرایی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کارآمد باعث شده تا هر از گاهی این تنوع به محلی برای مناقشه تبدیل شود. در این میان، دولت می‌تواند بر اساس وظایف قانونی خود، در ایجاد همگرایی و همبستگی بیشتر و پرکردن شکاف‌های موجود مؤثر باشد. با این حال مصاحبه ترکی قزلبچه با یک رسانه ترکی از یک‌سو و مواضع قومی هیجانی یوسف پزشکیان، فرزند رئیس‌جمهور که سمت مشاور دفتر او را هم دارد، خلاف نقش همگرایی دولت است.

این موضوعات، فراتر از یک لغزش ساده، می‌تواند منجر به ایجاد شکاف‌های عمیقی در کشور شود. احترام به همه زبان‌های رایج در کشور و آزادانه دانستن تدریس آن‌ها در نقاط محلی ازجمله امتیازاتی است که قانون اساسی در اختیار اقوام ایرانی گذاشته و آن‌ها با توجه به غنای فرهنگی و تمدنی، بسیار محترم شمرده می‌شوند. اما نقش زبان فارسی به‌عنوان نخ تسبیح وحدت ملی را نیز نباید نادیده گرفت. تاریخ ایران نشان داده که بی‌توجهی به این مسائل می‌تواند به شکاف‌های اجتماعی منجر شود.

■ ■ ■

هیجان و احساسات؛ پاشنه آشیل دولت

تصمیم غلامرضا نوری قزلبچه برای انجام مصاحبه به زبان ترکی در یک موقعیت رسمی برایش حاشیه ساخت. در کشوری که قانون اساسی زبان فارسی را به‌عنوان زبان رسمی و مشترک تعیین کرده، انتظار می‌رود مقامات ارشد در گفت‌وگوهای عمومی از این زبان استفاده کنند تا پیام آن‌ها برای همه شهروندان، فارغ از پیشینه قومی و زبانی، قابل فهم باشد. انتخاب زبان ترکی توسط وزیر نه تنها این اصل را نادیده گرفت، بلکه پیامی غیر مستقیم مبنی بر مشروعیّت‌بخشی به استفاده از زبان‌های محلی در موقعیت‌های رسمی ارسال کرد. این اقدام در بهترین حالت ناشی از سهل‌انگاری و در بدترین حالت، نشانه‌ای از بی‌توجهی به حساسیت‌های ملی بود. این ماجرا در کنار اظهارات پیشین یوسف پزشکیان، مشاور و فرزند رئیس‌جمهور، حساسیت بیشتری پیدا کرد. یوسف پزشکیان در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به حفظ زبان ترکی، از لزوم آموزش این زبان و حمایت از آثار فرهنگی ترکی سخن گفته بود. او با استدلالی احساسی، زبان ترکی را به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی آذربایجان ستوده و از سیاست‌های محدودکننده در برابر زبان‌های محلی انتقاد کرد. این اظهارات، هر چند از منظر شخصی می‌توانند قابل پیگیری باشند؛ اما به دلیل جایگاه خانوادگی او به‌عنوان فرزند رئیس‌جمهور، به‌سرعت به‌عنوان مواضعی با پشتوانه سیاسی تفسیر شدند. مدتی بعد یوسف پزشکیان در جشن قهرمانی تیم تراکتورسازی تبریز نیز حاشیه‌ساز شد و احساسات قومی را تحت تأثیر قرار داد.

نقد اصلی به فرزند پزشکیان نه به محتوای نظرش، بلکه به هیجانی بودن مواضع و عجله داشتن در بیان آن‌ها، آن هم در جایگاه فرزند رئیس‌جمهور است. در کشوری که مسائل قومی و زبانی به‌دلیل مسائل مختلف دچار حساسیت‌هایی هستند، حداقل افرادی که جایگاه سیاسی یا خانوادگی ویژه‌ای دارند، باید با دقت و سعه‌صدر بیشتری حرف بزنند. هنوز دولت به پایان اولین سال مسئولیتش نرسیده که شبکه‌های اجتماعی متأثر از اظهارات خواسته یا ناخواسته پسر رئیس‌جمهور شده و حاشیه‌هایی برای کایتبه ایجاد کرده است.

زبان رسمی؛ میراثی مشاع

محمدعلی موجد، یکی از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۹۲ سخنرانی‌ای داشت و در همان زمان این موضوع را پیش‌بینی کرده بود. موجد با اشاره به تاریخ ایران از قرون سوم و چهارم هجری، تأکید می‌کند که زبان فارسی همیشه به‌عنوان زبان رسمی و مشترک میان اقوام ایرانی عمل کرده است. این زبان، برخلاف تصور برخی، متعلق به قوم خاصی نیست و میراثی مشاع برای همه ایرانیان است. در عین حال، زبان‌های محلی مانند ترکی، کردی، بلوچی و... در حوزه فرهنگ عامه نقش کلیدی دارند و فرهنگ کشور را غنی‌تر می‌کنند. موجد اشاره می‌کند زبان‌های محلی در موسیقی، ترانه، ضرب‌المثل و ادبیات عامه کاربرد دارند؛ اما امور رسمی، علمی و ادبی کشور به زبان فارسی انجام شده‌اند. این تفکیک که ریشه در تاریخ طولانی ایران دارد، به حفظ وحدت ملی کمک کرده است. او همچنین به غنای فرهنگی آذربایجان اشاره می‌کند و از شاعران ترکی‌زبانی مانند میرزا علی اکبر صابر، معجز شبستری و شهریار نام می‌برد که آثارشان بخشی از گنجینه فرهنگی ایران را تشکیل می‌دهند. این تأکید نشان می‌دهد حمایت از زبان‌های محلی، در چهارچوب قانون و بدون تضعیف زبان رسمی، نه‌تنها ممکن، بلکه ضروری است. از منظر حقوقی، اصل پانزدهم قانون اساسی زبان فارسی را به‌عنوان زبان رسمی تعیین کرده اما استفاده از زبان‌های محلی در رسانه‌ها، مطبوعات و تدریس ادبیات آن‌ها در کنار زبان فارسی را آزاد دانسته است. موجد تأکید می‌کند دولت نباید در این زمینه مداخله سلبی (مانند ممنوعیت زبان‌های محلی) یا ایجابی (مانند اجبار به آموزش آن‌ها) کند. این دیدگاه، تعادلی منطقی بین احترام به تنوع زبانی و حفظ وحدت ملی ایجاد می‌کند اما نیازمند اجرای دقیق و هوشمندانه است.

خطر هرج و مرج زبانی

اقدام نوری در مصاحبه به زبان ترکی، دریچه‌ای به سوی یک سناریوی نگران‌کننده باز کرد. اگر امروز یک مقام ارشد به زبان ترکی سخن بگوید، چه مانعی وجود دارد که فردا مقامات دیگر از اقوام کرد، بلوچ، عرب یا لر به زبان‌های محلی خود مصاحبه رسمی نکنند؟ اگر این روند کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی کارکرد زبان رسمی منجر شود. زبان فارسی به‌عنوان ابزار ارتباطی مشترک میان اقوام ایرانی، باید در موقعیت‌های رسمی حفظ شود تا همه شهروندان بتوانند به‌طور برابر سخنان مقامات را فهم کنند. در غیر این صورت، کشور با نوعی هرج‌ومرج زبانی مواجه خواهد شد که نه‌تنها به انسجام ملی آسیب می‌رساند، بلکه به حاشیه‌راندن گروه‌هایی منجر می‌شود که به زبان‌های محلی مسلط نیستند.

این خطر زمانی جدی‌تر می‌شود که به بافت اجتماعی ایران توجه کنیم. ایران کشوری است با تنوع قومی و زبانی گسترده و زبان فارسی به‌عنوان نخ تسبیح این تنوع عمل کرده است. تضعیف این نقش، به‌ویژه در سطح مقامات رسمی می‌تواند به تقویت گرایش‌های قوم‌محور منجر شود، حتی اگر این نیت در پس اقدامات افراد نباشد.

دولت در آزمون همگرایی

دولت به‌عنوان نهاد مرکزی در مدیریت تنوع قومی و فرهنگی، وظیفه‌ای خطیر در ایجاد همگرایی میان اقشار مختلف دارد. ایران با وجود غنای فرهنگی و زبانی، به‌ویژه در سال‌های اخیر با چالش‌هایی در زمینه حفظ وحدت ملی مواجه بوده است. زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی، نقش پیونددهنده‌ای میان اقوام مختلف ایفا می‌کند و دولت باید با تقویت این نقش، به انسجام ملی کمک کند. این به معنای سرکوب زبان‌های محلی نیست، بلکه نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه‌ای است که هم به تنوع زبانی احترام بگذارد و هم زبان رسمی را به‌عنوان محور وحدت حفظ کند.

اقداماتی مانند مصاحبه وزیر به زبان ترکی با اظهارات احساسی یوسف پزشکیان، به‌جای تقویت همگرایی، به ایجاد و تقویت شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و قومی منجر می‌شوند. دولت باید با وضع دستورالعمل‌های روشن، استفاده از زبان فارسی را در موقعیت‌های رسمی الزامی کند و در عین حال، فضایی برای رشد زبان‌های محلی در حوزه‌های غیررسمی مهیا کند. فقدان چنین سیاستی، فرصت و ویژه‌ای را در اختیار گروه‌های تفرقه‌افکن قرار می‌دهد.

بازی دولتی‌ها علیه دولت

دولت چهاردهم تلاش کرده است با انتصاب افراد از اقوام مختلف به مناصب کلیدی، به تنوع قومی احترام بگذارد. این سیاست که نشانه‌ای از تعهد به عدالت اجتماعی و مشارکت ملی و «وفاق» است فرصتی بی‌نظیر برای تقویت وحدت فراهم کرده است. با این حال این فرصت نیازمند مسئولیت‌پذیری بالایی مقامات و افراد مرتبط با دولت است. اقداماتی مثل مصاحبه نوری به زبان ترکی با اظهارات یوسف پزشکیان که به‌صورت غیرمستقیم به‌عنوان مواضع دولت تفسیر می‌شوند، می‌تواند این دستاوردها را به خطر بیندازند. مقامات و افرادی با جایگاه ویژه، مانند فرزند رئیس‌جمهور، باید درک کنند که سخنان و اقدامات آن‌ها فراتر از نظرات شخصی، به‌عنوان بازتاب‌دهنده سیاست‌های نظام تلقی می‌شوند. پزشکیان با اظهارات احساسی و بدون پشتوانه حقوقی یا سیاسی، به‌صورت غیرمستقیم به حساسیت‌های قومی دامن زد. به همین ترتیب، نوری با انتخاب زبانی غیررسمی در یک موقعیت رسمی، به اعتبار دولت آسیب رساند. این اقدامات در خوش‌بینانه‌ترین حالت ناشی از ناآگاهی و در بدبینانه‌ترین حالت نشانه‌ای از بی‌توجهی به اصول وحدت ملی هستند. در موضوعات ملی و رسمی، زبان گفت‌وگو باید فارسی باشد و هرگونه انحراف از این اصل باید با پاسخگویی و اصلاح همراه شود.

درس‌های زبانی از تاریخ

مسئله زبان در ایران به‌ویژه در آذربایجان همیشه با حساسیت‌های پررنگی همراه بوده است. در دوره پهلوی، سیاست‌های تمرکزگرایانه و تلاش برای یکسان‌سازی فرهنگی، ازجمله ممنوعیت استفاده از زبان‌های محلی در فضاهای عمومی، عواقب خوبی به همراه نداشت. این سیاست‌ها که با تحقیر و سرکوب فرهنگی همراه بودند، به احساس محرومیت و تبعیض در میان اقوام غیرفارس‌زبان دامن زدند. قیام تبریز در سال ۱۳۰۸ شمسی، جنبش دموکرات به رهبری پیشه‌وری و حتی برخی ناآرامی‌های بعدی، تا حدودی ریشه در این سیاست‌های نادرست داشتند. تجربه‌های تاریخی اینجینینی پیام‌هایی دارند. برخورد با مسئله زبان نیازمند سعه‌صدر، همدلی و درایت است. سرکوب زبان‌های محلی نه‌تنها به وحدت ملی کمک نمی‌کند، بلکه به تقویت گرایش‌های تفرقه‌افکن منجر می‌شود. در عین حال، بی‌توجهی به نقش زبان رسمی می‌تواند به پراکندگی و هرج‌ومرج زبانی منجر شود. دولت کنونی که با شعار تدبیر و امید به قدرت رسیده، باید از این درس‌ها بهره گیرد و سیاستی متوازن اتخاذ کند که هم به تنوع زبانی احترام بگذارد و هم وحدت ملی را تقویت کند. آذربایجان، با تاریخ و فرهنگ غنی خود، نقش بی‌بدیلی در تاریخ و ادبیات ایران داشته است. حمایت از زبان ترکی به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه، نه‌تنها با وحدت ملی در تعارض نیست، بلکه می‌تواند به غنای فرهنگی کشور بیفزاید. اما این حمایت باید در چهارچوب قانون و با احترام به جایگاه زبان رسمی انجام شود.

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

افکار سنجی‌ها می‌گویند انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست



آمریکایی‌هایش از شروع دور جدید مذاکرات، صراحتاً از تعطیلی غنی‌سازی ایران صحبت کردند. استیو ویتکاف در آخرین مصاحبه‌پیش‌از شروع مذاکرات، صراحتاً این موضوع را مطرح کرد و گفت باید غنی‌سازی ایران در فردو، نظنز و اصفهان تعطیل شود. در مورد این ادعا، می‌توان چند احتمال را مطرح کرد، یکی از آن‌ها این است که آمریکا به دنبال آن است که به مرگ بگیرد تا اگر در میز مذاکره شروطی روی میز گذاشت، ایران بپذیرد. اما احتمال دیگری که در این اظهارنظرهای رسانه‌ای جدی‌تر از قبیه به نظر می‌رسد این است که آن‌ها روی جنگ روانی و اعمال فشار افکار عمومی ایرانیان حساب ویژه‌ای کرده‌اند و به دنبال آنند که با مطرح کردن این ادعاها فشار افکار عمومی را به مذاکره‌کنندگان وارد کنند. اما ناگاهی به آمار و نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد، تحلیل و برآورد آن‌ها در مورد نظر مردم ایران در مورد حق غنی‌سازی ایران دقیق نیست. بر مبنای نظرسنجی‌ای که مرکز افکارسنجی ایرانیان در آبان ۱۴۰۲ منتشر کرده، ۶۰ درصد موافق حفظ توانمندی هسته‌ای و موشکی ایران هستند؛ اما مخالف بهبود روابط با آمریکا نیز نیستند. نگاه به این نظرسنجی این گزاره را اثبات می‌کند که برخلاف تصور آمریکایی‌ها، ایرانی‌ها، حفظ توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای را مهم می‌دانند و مخالف تعطیل کردن آن در ازای توافقی با آمریکا هستند. به‌بهانه ادعاهای رسانه‌ای تازه‌ای که عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده آمریکایی، مطرح کرده به بازخوانی این نظر سنجی پرداختیم که در ادامه آن را از نظر می‌گذرانید.

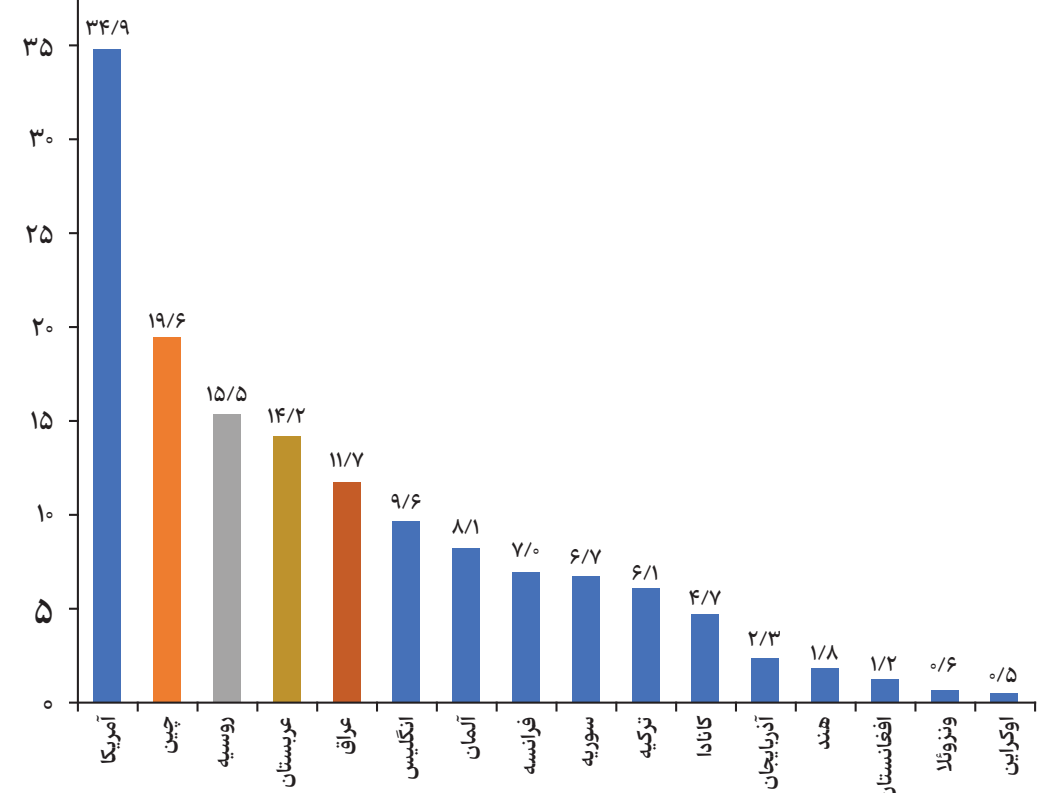
■ ■ ■

۶۰ درصد ایرانیان خواهان حفظ توانمندی هسته‌ای

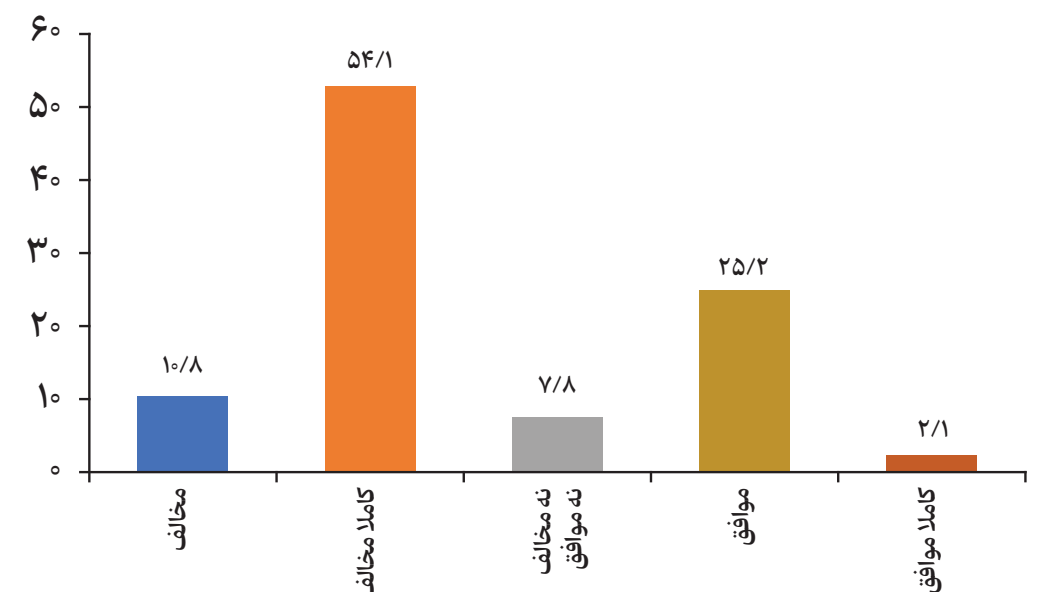
در این نظرسنجی در پاسخ به این سؤال که آیا موافق بهبود روابط ایران و آمریکا بدون واگذاری توان هسته‌ای و موشکی ایران هستید، ۶۰ درصد موافق بهبود روابط، بدون واگذاری توان هسته‌ای ۳۲ درصد مخالف آن بودند. این نظرسنجی با فراوانی ۱۵ هزار

و ۸۷۸ نفر انجام شده، از این میان، ۴۸٫۳ درصد موافق بهبود روابط با آمریکا بدون

مناسب‌ترین کشور برای رابطه با ایران بین تمام کشورهای جهان



بهبود رابطه با غرب و آمریکا با واگذاری توان هسته‌ای و موشکی (درصد)



اولویت رابطه ایران با بخش‌هایی از جهان (درصد)

